

## درس تلمبه



زیگ زیگلار در یکی از سمینارهای خود در مورد تصمیم گیری و پابرجاماندن بر تصمیم صحبت می کرد. او برای توضیح این بخش از سمینارش از یک تلمبه آب استفاده کرد. احتمالاً شما هم نمونه‌ای از این تلمبه ها را دیده‌اید که معمولاً در روستاها از آن برای بالا کشیدن آب از چاه استفاده می کنند. این نوع تلمبه به وسیله لوله‌ای به چاه متصل است و دسته‌ای دارد که اگر با سرعت به بالا و پایین کشیده شود بر اثر ایجاد خلأ در لوله، آب به سمت بالا هدایت شده و از دهانه تلمبه بیرون می ریزد. زیگ می گفت که نباید توقف کنید چون نمی دانید که آب تا کجای لوله بالا آمده است. اگر توقف کنید آب دوباره به چاه بر می گردد. آنقدر به این کار ادامه داد تا آب از دهانه تلمبه سرازیر شد. اگر شروع کرده و به اندازه کافی استقامت کنید، هر اندازه که آب بخواهید به دست می آورید. زندگی نیز همین گونه است.

در اواخر دهه 50 وقتی کودکی بیش نبودم، با مادرم برای آوردن آب می رفتیم و برای شروع، ابتدا کمی آب داخل تلمبه می ریختیم. سپس من شروع می کردم به تلمبه زدن. می شنیدم که مادرم می گفت: "آفرین پسر، آب داره بالا میار، توقف نکن، یه کم سریعتر ....". اما آنروز من هنوز کوچک بودم و این کار



انرژی زیادی می‌خواست، در نتیجه آب همیشه به چاه بر می‌گشت. این همه زور زدن تقریباً برای هیچی، مگر یادگیری درس تلمبه. این داستان هر روز تکرار می‌شد و تلمبه هم هر روز به من درس می‌داد. تا اینکه یک روز با راهنمایی و پافشاری مادرم، تلمبه هر چی آب می‌خواستم به من داد. و درسی را به من داد که هرگز فراموش نمی‌کنم: "درس تلمبه"

منبع: [www.home-business-network.com](http://www.home-business-network.com)



[www.DiaMethod.com](http://www.DiaMethod.com)